

چرا در اجرای سیاست ضعیفیم؟



کیومرث اشترینان

مدیران توانمند و شرافتمند، «سرمایه قدرت» برای رژیم‌های سیاسی‌اند. «سرمایه قدرت» ابزار لازم برای اجرای سیاست است. اگر یک پروژه بزرگ سرمایه‌گذاری داخلی یا بین‌المللی در دستور کار حکومت باشد، چند مدیر لایق و پاکدست در کشور سراغ داریم که بتوانند آن را مدیریت کنند؟ مشخص نیست. البته مدیران لایق بسیارند. اما اولاً، آیا فرصت به آنان داده می‌شود و از هفت‌خان پالایش سیاسی گذر می‌کنند؟ ثانیاً، اگر فرصت داده شود، می‌توانند از عهده انتظارات قدرت‌های پنهان که هریک مطالباتی دارند، برآیند؟ ثالثاً، آیا ابزارهای لازم برای مدیریت کارهای سترگ دارند؟

مدیر اجرایی اختیارات و اعتمادبه‌نفس کافی ندارد. چون دستگاه‌های اجرایی آن‌قدر پیچیده و درهم‌تنیده هستند که امکان کار بزرگ را از او می‌گیرد. مدیر باید بتواند با شجاعت و اعتمادبه‌نفس یک کار بزرگ را به پیش ببرد. مدبری که گرفتار انواع محدودیت‌ها، پایش‌های درست و غلط، نظارت‌های قانونی و فراقانونی، الزامات اداری، سیاسی و… است، فاقد اعتمادبه‌نفس لازم است. از سویی سایه سنگین جدل‌های جناحی و از سوی دیگر فضای تهمت و دروغ که حاکم بر شبکه‌های مجازی است و دانما همه «مسئولان» را به گونه‌ای کلی و مبهم می‌نوازد، نیز مزید بر علت است. چنین مدبری نمی‌تواند کار بزرگی کند. پست مدیریت اجرایی به خودی خود سود مادی چندانی ندارد؛ مگر آنکه اسباب رانت بشود. اگر فردی قوی و سالم باشد، ممکن است تن به پذیرش مسئولیت سنگینی که در دولت به او پیشنهاد می‌شود، ندهد. بنابراین درگیری‌های زندگی شخصی سبب می‌شود کمتر تن به کار اجرایی در دولت بدهد.

مدیر اجرایی، فرایند انتخاب‌شدن و بالارفتن از پله‌های ترقی را به گونه‌ای طی می‌کند که «آسه بیا آسه برو که گربه شاخت زنه» شعار تضمین امنیت شغلی‌اش می‌شود. مدیر مطلوب در چنین سیستمی مدیر بی‌حاشیه است؛ مدبری است که به پروپای کسی نیچپیده باشد یا مجلس و نهادهای نظارتی روی او حساس نباشند. طبیعی است که چنین مدبری پس از طی این مراحل طاقت‌فرسا دیگر رمقی برای کارهای بزرگ و پرخطر ندارد. عمر ریاست را «گذران» می‌کند و وجه‌المله باقی می‌ماند. یک مدیر خوب یعنی یک کارمند آرام و خوشبخت؛ به قول صمد بهرنگی یک «آقای چوخ بختیار» است. اینها نمونه‌ها و دلایل اندکی از ضعف اجرای سیاست‌ها در ایران است. البته عوامل دیگری هم می‌توان برشمرد. در غیاب چنین فرصت‌هایی، زمینه برای مدیران سیاسی فراهم می‌شود که اغلب قواعد و سازوکارهای صنعت و تجارت را نمی‌دانند. از تولید و نوآوری و پیچیدگی‌های آن کم‌اطلاع‌اند. اغلب، صرفاً با رقفا حشر و نشر سیاسی داشته‌اند و تجربه‌ای ندندان‌گیر در زندگی نداشته‌اند. دنیای ارتباطات واقعی آنها کوچک و جهان ارتباطات مجازی‌شان کم‌عمق است. در حلقهٔ رفیقان «همفکر» عمری سپری کرده‌اند و اغلب همان رقفا را «چه‌های خوب و دلسوز» می‌دانند. پس وقتی به مسئولیتی می‌رسند، سپردن هر کاری را به رفیقان روا می‌دانند. دادن امتیازات ویژه به آنان را نیز عین خدمت می‌دانند. درواقع به زبان حال می‌گویند: اکنون نوبت ماست که از فرصت بهره ببریم. هم فال است و هم تماشا. چنین مدبری را بر سر کار بزرگ گماردن نشاید. چه باید کرد؟

اگر به همین دلایل و نمونه‌ها، و تنها در قوه مجریه، اکتفا کنیم، باید گفت که سلسله‌جبران تقویت در مدیریت اجرایی کشور رئیس‌جمهور است. او باید بتواند به امور ذیل اهتمام ورزد:

- نوآوری و شجاعت باید ملاک اصلی برای انتخاب مدیران باشد.
- مدیران خویش را ارج نهد، به آنان اعتمادبه‌نفس دهد و از آنان حمایت و پشتیبانی کند.
- از مدیران بخش خصوصی که امتحان پس داده‌اند، دعوت به کار کند.
- سازوکاری برای رصد مدیران گمنامی که در گوشه و کنار کشور خدمات ارزشمندی داشته‌اند، فراهم کند و آنان را برکشد. یکی از مدیران ارشد کشور در سنوات پیشین چنین می‌کرد. مدیرانی را از شهرهای کوچک برکنید که تا ریاست سازمان برنامه و بودجه برآمدند یا در برخی وزارتخانه‌های کلیدی مسئولیت گرفتند. یکی مدیر اصلاح‌طلب بود و دیگری مدبری اصولگرا.
- قرار نیست از همه مدیران انتظار داشته باشید که با انگیزه‌های غیرمادی کار کنند.

	<div><div></div><div>یکشنبه ۴ آذر ۱۴۰۳</div></div>
	<div><div></div><div>۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۶</div></div>
	<div><div></div><div>۲۴ نوامبر ۲۰۲۴</div></div>
	<div><div></div><div>سال بیست‌ویکم</div></div>
	<div><div></div><div>شماره ۴۹۸۳</div></div>
	<div><div></div><div>۲۰ هزار تومان</div></div>
	<div><div></div><div>۱۲ صفحه</div></div>

روزنامه شرق

درد (شرق) امروز می‌خوانید: متخصصان درباره افزایش بروز سرطان پستان در یک یا دو دهه آینده هشدار می‌دهند. • بیانی، نماینده مجلس: راه‌اندازی ساترفیوژهای جدید پاسخی مناسب به قطع‌نامه آژانس بود

آفت برق دولتی

مهدی عرب‌صادق، قطع روزانه برق خانگی در شرایطی رخ داده است که مشترکان می‌گویند در قیوض صادرشده دوره جدید، قیمت برق ۳۸ درصد افزایش داشته است. از آن سو، تولیدکنندگان برق می‌گویند عواید حاصل از افزایش قیمت‌ها معمولاً به جیب دولت می‌رود و دولت با دخالت گسترده در قیمت‌گذاری، تولید، توزیع و در مجموع بازار برق، این صنعت را زمین‌گیر کرده است. ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود و تجربیات ناموفق خصوصی‌سازی و واگذاری نگاه‌ها به شبه‌خصوصی‌ها و صاحبان منافع و رانت، سبب شده است بسیاری در دفاع از خصوصی‌سازی دچار تردید شوند و معتقد باشند بدون اصلاحات ساختاری و اعتمادسازی برای مردم، خصوصی‌سازی هم سرنوشت موقفی نخواهد داشت و نمی‌تواند ناجی صنعت برق باشد. تولید، توزیع و در کل بازار برق با دخالت‌های بی‌شمار دولت زمین‌گیر شده و نه‌تنها یکی از بزرگ‌ترین مالکان منابع انرژی جهان را با کمبود انرژی روبه‌رو کرده، بلکه تولید انرژی با آلودگی بالا را صاحب مزیت کرده است. این در حالی است که در بازار اروپا، تجربه خصوصی‌سازی برق توانست کشورهای

گزارش تیریک را در صفحه۴ بخوانید

ستاری از در دستور کار بودن رفع فیلترینگ گفت و مظهری از اکثریت‌بودن موافقان فیلترینگ

رفع فیلترینگ؛ در دست اقدام!

صفحه ۳

یادداشت

پنجاه‌وچهارمین همایش اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری

جلوهای از اقدام مدیران نهاد وکالت علیه استقلال نهاد وکالت



زینب‌تعالی*

در پنجاه‌وچهارمین همایش اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) که دو روز گذشته در اراک برگزار شد، چند تصمیم اتخاذ شده است که واجد جنبه‌های مهم و تأثیرگذاری در نهاد دفاع و استقلال کانون‌های وکلای دادگستری هستند. در مهم‌ترین مصوبه این همایش درباره پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری بررسی صلاحیت کاندیداهای هیئت‌رئیس‌ه اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات مورد تصویب واقع شد؛

و «ارائه پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری با لحاظ گزارش هیئت مذاکره‌کننده با قوه قضائیه به رئیس قوه قضائیه تصویب شد». برای آگاهی از اهمیت این مصوبه به تاریخچه تشکیل این نهاد اشاره‌ای گذرا می‌کنم. پس از تصویب لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در سال ۱۳۳۱ در استان‌هایی که حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به حرفه وکالت اشتغال داشته‌اند، امکان تأسیس کانون وکلا می‌شد. تاکنون ۲۹ کانون وکلا در سراسر کشور ایجاد شده است و تنها استان سیستان‌وبلوچستان

است که کانون وکلای مستقل نداشته و همچنان زیرمجموعه کانون مرکز باقی مانده است. در ۸ آذر ماه ۱۳۸۲ اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) از طرف ۱۱ کانون استانی از جمله کانون مرکز و با اهتمام وکلایی مانند مرحوم بهمن کشاورز تأسیس شد. اسکودا نهادی غیرانتفاعی، با شخصیت حقوقی مستقل است که برای مدت نامحدود تأسیس شده و

یادداشت

زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند؟



پروانه سلحشوری

بررسی اجمالی عوامل مؤثر بر خشونت‌های اخیر در مدت‌زمان کوتاهی، نشان می‌دهد جامعه ملتبهب ایران شاهد خشونت‌های کم‌سابقه‌ای بوده است. موضوع دختر دانشگاه علوم و تحقیقات و عریان‌شدن او، تجاوز مردی به ۲۰۰ زن، قتل‌هایی مانند قتل خیرنگار ایرنا و زن دیگری با فرزندش به دست همسران وکیل‌شان و قتل پزشک قلب به دست خانواده متوفی همگی زنگ خطرهایی برای جامعه ایران هستند که در وضعیت بحران قرار دارد. گسترش و افزایش خشونت در جامعه یک پدیده تک‌علتی نیست، بلکه به مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و روان‌شناختی مرتبط است که وضعیت پیچیده‌ای را به وجود می‌آورند. این عوامل به طور هم‌زمان با یکدیگر مرتبط بوده و چرخه‌ای از خشونت و دیگر مسائل اجتماعی را به وجود می‌آورند که حل آن به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. ازجمله عوامل مهم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **نبود قوانین حمایتی و بازدارنده**

زمانی که نهادهای قانون‌گذاری از تصویب قوانینی که از حقوق زنان حمایت کند، ناتوان باشند و سیستم قانونی و اجرایی ضعیف عمل کند، این وضعیت به افزایش آسیب‌های اجتماعی، ازجمله خشونت علیه زنان، منتهی می‌شود. سال‌هاست لایحه تأمین امنیت زنان در مجلس به نتیجه نرسیده است، اکنون نیاز به تصویب و اجرایی‌شدن چنین لایحه‌ای بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

۲- **نابرابری حقوقی، اجتماعی و اقتصادی**

در جامعه‌ای که زنان از نظر برخورداری از حقوق، در جایگاهی برابر با مردان ندارند، آنها به طور طبیعی آسیب‌پذیرتر می‌شوند. درحال حاضر، بحث‌های بسیاری درباره زناشه‌شدن فقر و نابرابری اقتصادی شدید وجود دارد. جایگاه ایران در سطح جهانی در زمینه مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان ایران بسیار پایین است و این امر می‌تواند عاملی بر گسترش و افزایش خشونت علیه زنان باشد؛ مسئله‌ای که شرح و تفصیل آن در این نوشتار نمی‌گنجد.

کمالوندی:

حق ایران است که برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را توسعه دهد

۲



برگزیده‌ها

سرگیجه مخاطب ایرانی از دست تلویزیون

۹

بیگیری «شرق» ازرد خودکشی درمدراس

خلأ آمار سد مقابل راهکارهای پیشگیری از خودکشی

۶

گزارش «شرق» از آسیب روحی و روانی کودکان مراکز نگهداری به دلیل عملکرد بهزیستی

یک رهاشدگی همیشگی

۸

کشت‌وگذار ویژه در کوچه‌پس‌کوچه‌های دشتیار

گردش یک روز شیرین در بلوچستان زیبا

۱۲

نگاه

چرا تندروها ظریف را هدف گرفته‌اند؟

یادداشتی از قادر باستانی تبریزی

۱۲

یادداشت

یک افشاکری و ۳ واکنش



ناصرذاکری

کارشناس اقتصادی

چند روز پیش مصاحبه عباس پایلردار، عضو هیئت تحقیق و تفحص مجلس هفتم، منتشر شده و مورد توجه رسانه‌ها و اهل نظر قرار گرفت. او در این مصاحبه برخی چهره‌های سرشناس را متهم کرده و پرونده‌هایی از نوع تحصیل مال با استفاده از روابط و موقعیت پرونده‌های اشاره‌شده ایشان، گزارش جامع به آنان نسبت می‌دهد، که اگر فقط بخشی از این ادعاها واقعیت داشته باشد، باید به سبک قدما آبه استراج‌خواند، ازاین‌رو کمترین توقع از نهادهای ناظر این است که با بررسی دقیق پرونده‌های اشاره‌شده ایشان، گزارش جامع و شفافی برای افکار عمومی ارائه دهند. اگر ادعاهای ایشان نادرست است، با او برخورد قانونی شود و اگر درست است، حقوق پایمال‌شده جامعه به صاحبان واقعی آن بازگردانده شود. او به‌ویژه درباره مرحوم آیت‌الله یزدی، رئیس اسبق قوه قضائیه، می‌گوید پرونده ایشان که برای بررسی به او داده شده، پرونده‌ای مفصل و حجیم به ارتفاع میز ناهارخوری بوده است! در این یادداشت قصد اظهارنظر درباره درستی یا نادرستی ادعاهای آقای پایلردار را ندارم و همانند بقیه شهروندان منظر اقدام نهادهای نظارتی خواهم ماند. اما نکاهی خاص به مورد مطرح‌شده برای مرحوم آیت‌الله یزدی دارم. پس از انتشار مصاحبه واکنش‌هایی از سوی علاقه‌مندان آیت‌الله یزدی اتفاق افتاد که نکاهی گذرا به سه مورد از آنها دارم:

۱ – کلیبی منتشر شد که آقای یزدی ضمن تکذیب ادعاهای طرف مقابل می‌گویند ارزش کل دارایی‌های‌شان دو، سه میلیون تومان بیشتر نیست.
۲ – قائم‌مقام اسبق مرکز پژوهش‌های مجلس عباس پایلردار را آدم تند و تیزی معرفی می‌کند که بدون داشتن مستندات کافی همه را متهم می‌کند.
۳ – یک مقام قضائی مرتبط با پرونده عباس پایلردار گفته است او به دنبال مطرح‌شدن است و قصد دارد از رانت استفاده کند و از افراد باج بگیرد.

^[1] کلیبی منتشر شد که آقای یزدی ضمن تکذیب ادعا

^[2] کلیبی منتشر شد که آقای یزدی ضمن تکذیب ادعا

^[3] کلیبی منتشر شد که آقای یزدی ضمن تکذیب ادعا

^[4] کلیبی منتشر شد که آقای یزدی ضمن تکذیب ادعا